



پیرامون حدیث الناس فی سعة مالم یعلموا

رضا استادی

برداشتیم که ترجمه اش نوشتاری است
که از نظر شما می گذرد.

۱- محقق صاحب شرایع در کتاب

«معتبر» می نویسد:

«لواتم جاهلا بوجوب التقصیر لم یعد، وبه
قال الشیخ (ره) واکثر الاصحاب، وقال
ابوالصلاح یعد فی الوقت، لنا قوله علیه السلام:
الناس فی سعة مالم یعلموا...»^۱

(۱) - معتبر چاپ سنگی ص ۲۵۴.

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی
نبینا محمد وآله المعصومین واللعن علی اعدائهم
الی یوم الدین.

حدود پانزده سال پیش یکی از اساتید،
کیفیت متن و سند حدیث «الناس فی سعة
مالم یعلموا» را خواستار شد، به بخشی از
کتابهای مربوطه رجوع کرده و یادداشت‌هایی

پیرامون حدیث الناس فی سعة مالم یعلموا...

۲ - علامه حلی در کتاب «تذکره» می نویسد:

«الثانی ان یفعل ذلك (الاتمام فی موضع القصر) جاهلا بوجوب القصر فلا یعید مطلقا عند اکثر علمائنا لقوله علیه السلام: الناس فی سعة مالم یعلموا ومن طریق الخاصة قول الباقر علیه السلام - وقد سأله زرارة ومحمد بن مسلم عن رجل صلی فی السفر اربعاً اعیید ام لا؟ ان كان قد قرئت علیه آية القصر وفسرت له اعاد وان لم تكن قرئت علیه ولم یعلمها لم یعد ... وقال ابوالصلاح یعید فی الوقت.^۱

۳ - علامه حلی نیز در کتاب «منتهی» می نویسد:

«امالوتم جاهلا بوجوب التقصیر لم یعد علی قول اکثر علمائنا وقال ابوالصلاح یعید فی الوقت. لنا انه جاهل فیکون معذورا لقوله علیه السلام: الناس فی سعة مالم یعلموا خصوصا وقد اعتضد بالرجوع الی الاصل الذی هو الاتمام ومارواه زرارة ومحمد بن مسلم ...»^۲

۴ - شهید اول بنابه نقل ابن ابی جمهور احسائی در کتاب «عوالی اللثالی» ابن حدیث را در بعضی از تألیفات خود آورده است. او در عوالی می نویسد:

«المسلک الثالث فی احادیث رواها الشیخ العالم شمس الملة والذین محمد بن مکی فی بعض مصنفاته تتعلق بأحوال الفقه رویتها عنه بطرفی الیه قال رحمه الله: روى ان النبی قال ان

الشیطان لیاتی احدکم وهو فی الصلاة فیقول: احذثت احذثت فلا ینصر فن احدکم حتی یسمع صوتا او یجد ریحاً ... وقال النبی ان الناس فی سعة مالم یعلموا ...»^۳

۵ - ابن ابی جمهور در حاشیه عوالی می نویسد:

«هذا (الحديث) يدل علی ان الاصل فی الاشیاء الاباحة والظهارة والحل حتی یرد المانع مع العلم به فمادام لا یعلم، الاصل براءة الذمة من المانع، وهذه قاعدة كلية یتسنى علیها فروع كثيرة»^۴

۶ - سید نعمت الله جزائری در شرح عوالی اللثالی می نویسد:

«... قلت قد استفاض من الاخبار عن النبی و اهل بیته علیهم افضل الصلوات من الملك الجبار الناس فی سعة مالم یعلموا فمن كان جاهلا للاصل او جاهلا للحکم يكون داخلا تحت عموم الخبر فیعذر فی جهله حتی یعرف الحکم فیطلبه و حیثئذ فیکون الاولی ان یجعل الضابط هكذا: الجاهل معذور الاما قام الدلیل علیه والاكثر عكسوا الكلية وقالوا الجاهل كالعالم الاما خرج

(۱) - تذکره، چاپ سنگی، ص ۱۹۳.

(۲) - منتهی ۱/ ۳۹۵.

(۳) - عوالی اللثالی، نسخه عکسی نگارنده ص ۱۳۹، این نسخه به خط سید ابراهیم پدر سید حسین قزوینی صاحب معارج الاحکام است و چاپ جدید ۱/ ۳۸۰ و ۴۲۴.

(۴) - عوالی اللثالی ج ۱، حاشیه ص ۴۲۴.

بالدلیل»^۱

۷- مقدس اردبیلی در شرح ارشاد می نویسد:
«فقد ظهر عدم الاعادة على الجاهل مطلقا
لصحيحتهما (زرارة و محمد بن مسلم) فقول ابى
الصلاح وابن الجنيد بالاعادة عليه ايضا نظرا الى
رواية عيص في الوقت غير واضح ويؤيده الناس
في سعة مما لا يعلمون...»^۲

۸- در کتاب «الشهاب فی الحکم
والآداب» که شامل هزار حدیث نبوی، در
سی باب است این حدیث را در باب اول
نقل کرده است با این لفظ: «الناس فی سعة
مالم يعلموا»^۳

یکی از اساتید ما می فرمود: آقای آخوند
ملا علی همدانی (ره) از مرحوم حاج
شیخ عباس قمی نقل کردند که این حدیث
در شهاب الاخبار روایت شده ولی در
نسخه های شهاب الاخبار قاضی قضاعی
متوفای ۴۵۴ نیست. بنده عرض کردم شاید
مقصود شهاب الاخبار قضاعی نبوده، زیرا دو
شهاب الاخبار داریم یکی از قضاعی و
دیگری منسوب به شیخ یحیی بحرانی که
احتمالا از علمای سده دهم بوده و ضمیمه
کتاب «بیان» شهید اول چاپ سنگی شده
است و هنگامی که به دومی مراجعه کردیم
حدیث همانطور که در بالا نقل گردید، پیدا
شد.

۹- شیخ یوسف بحرانی در کتاب «الدرة

پیرامون حدیث الناس فی سعة مالم يعلموا...

النجفية» در بحث شبهة تحريمه می نویسد:
«قد استدال القائلون بحجة البراءة الاصلية
بوجوه: رابعها ماورد عنهم عليهم السلام من قولهم
الناس في سعة مالم يعلموا... واما الجواب عن
الحدیث الثانی وهو قوله (عليه السلام) الناس في
سعة مالم يعلموا فالظاهر من لفظ السعة هو الحمل
على مقام الوجوب وهو نفى الوجوب في فعل
وجودی حتى يقوم دليله ومع تسليم عمومه فهو
معارض بالاخبار المستقبضة الآتية ولاشك ان
العمل على تلك الاخبار ارجح... على ان هذا
الحدیث لم نقف عليه بهذا اللفظ مستندا في
شيء من كتب الاخبار والتذي وقفت عليه من
ذلك رواية السكوني... ومع اغماض النظر عن
المناقشة في السند فهي غير صريحة الدلالة في
ما يدعون به...»^۴

۱۰- ملا آقا در بندی در کتاب
«خزائن» در بحث برائت می نویسد:

«ومن الاخبار الدالة على المطلوب قولهم (ع)
الناس في سعة مالم يعلموا قد نقل هذا في اكثر

(۱)- الدررة النجفية شيخ يوسف بحرانی ص ۷ به نقل از شرح
عوالی جزائری. این شرح چاپ نشده و نسخه خطی آن در
دسترس نگارنده نبود.

(۲)- شرح ارشاد چاپ سنگی شماره صفحه ندارد. چاپ
جدید ج ۳ / ۴۳۰.

(۳)- الشهاب چاپ سنگی ص ۷.

(۴)- الدررة النجفية ص ۲۶-۲۷، حدیث سکونی را در

آینده نقل خواهیم کرد.

۱۴ - میرزای قمی در «قوانین» با این لفظ نقل کرده است:

«وقوله ع الناس في سعة مالم يعلموا»^۵

۱۵ - شیخ انصاری در «رسائل» فرموده:

«ومنها قوله ع الناس في سعة مالا يعلمون فان

كلمة ما اما موصولة اضيف اليه السعة واما مصدرية ظرفية...»^۶

۱۶ - مرحوم تنكابنی در حاشیه رسائل

فرموده:

«وقد نقله في القوانين بكلمة لم وعلى

التقديرين تحتل كلمة ما الموصولة والمصدرية و

على التقدير الاول لا بد من التلطف بكلمة سعة بدون

التنوين والاضافة الى ما وعلى الثاني بالتنوين...»^۷

۱۷ - مرحوم سيد محمد باقر صاحب

«وسيلة الوسائل» كه حاشیه رسائل شیخ

انصاری است در اینجا می نویسد:

«وفیه مضافا الى منع ظهور كلمة ما في

الظرفية سيما بعد ملاحظة ما في بعض الكتب من

زيادة حتى يعلموا في آخر الخبر... واقوى ما يرد

عليه انه مرسل وادعى بعض الاصحاب ممن له يد

الكتب وفي بعض الكتب زيد: «حتى يعلموا» و

التقريب على كل من احتمال موصولة ما و

موصوفيتها وزمانيتها واضح ولا تحتل غيرها من

الزائدة والنافية والمصدرية وغيرها ... والجواب

عن ارسال الخبر ظاهر»^۱

۱۱ - میرسید شفیعی صاحب کتاب

«الروضة البهية» در کتاب «قواعد» خود

می نویسد:

«ومنها قوله ع الناس في سعة مالم يعلموا

وجه الدلالة ان الظاهر من كلمة ما هنا الزمانية من

بين اطلاقاتها اذ لها اطلاقا ستة...»^۲

۱۲ - سید ابراهیم قزوینی در کتاب

«ضوابط» می نویسد:

«ثانیا ماروی عن الصادق علیه السلام الناس

في سعة مالم يعلموا وفي بعض النسخ او الطرق

الناس في سعة مالا يعلمون، وجه الدلالة ان كلمة

ما في المقام لا يمكن حملها على الزائدة ولا

النافية ولا المصدرية ... واعلم ان الانصاف ان

تلك الروايات الا الاولى منها ضميصة غير منجبرة

في المقام بعمل الاصحاب»^۳

۱۳ - ملا احمد نراقی در کتاب «مناهج»

می نویسد:

«واما الاخبار، فكثيرة جدا ولكن الدال منها

بين اصناف ستة ... الصنف الثاني ماروی عنه

صلى الله عليه وآله الناس في سعة مالم يعلموا

حتى يعلمون، وجه الاستدلال واضح، الصنف

الثالث...»^۴

(۱) - خزائن در بندی، بحث اصل البراءة، چاپ سنگی.

(۲) - قواعد، چاپ سنگی، بحث برائت.

(۳) - ضوابط، چاپ سنگی، بحث برائت.

(۴) - مناہج نراقی، چاپ سنگی، بحث برائت.

(۵) - قوانین، بحث برائت.

(۶) - رسائل، بحث برائت ص ۱۹۹ چاپ رحمة الله.

(۷) - حاشیه رسائل تنكابنی ۲ / ۳۵.

فی الاخبار انه لم یثر علیه مسندا فی شیء من
الکتب بل الموجود منه فیها رواية السکونی...»^۱

۱۸ - مرحوم شیخ محمود میثمی عراقی
در کتاب «قوامع الفضول» که تقریرات
بحث شیخ انصاری است می نویسد:

«ومثل قوله علیه السلام الناس فی سعة مالم
یعلموا فان کلمة ما اماموصولة مضاف لیها واما
ظرفیة...»^۲

۱۹ - حاجی نوری در «مستدرک» در
باب (من فعل ما یوجب الحد جاهلا
بالتحریم لم یلزمه شیء من الحدود) از
عوالی اللثالی نقل کرده است:

«عن النبی صلی الله علیه وآله قال الناس فی
سعة مالم یعلموا»^۳

۲۰ - در کتاب «جامع احادیث الشیعه»
مرحوم آیه الله بروجرودی، همین عبارت از
مستدرک از عوالی نقل شده است.^۴

۲۱ - مرحوم فیض کاشانی در کتاب
«اصول اصیلة» با اینکه در صدد بیان قواعد
کلیه بوده حدیث سکونی را نقل کرده اما
حدیث الناس فی سعة را با این عبارت نقل
نکرده است.^۵

۲۲ - محدث استرآبادی در «فوائد
مدنیة»، حدیث سکونی را یاد کرده است.^۶
۲۳ - مرحوم سید عبدالله شبر در کتاب
«الاصول الاصلیة و القواعد الشرعیة» حدیث
سکونی را در باب حجیة اصل البراءة واصل

پیرامون حدیث الناس فی سعة مالم یعلموا...

الاباحة یاد کرده ولی حدیث «الناس فی
سعة» را نقل نکرده است.^۷

۲۴ - حاجی کلباسی در جلد دوم
«اشارات» که چاپ نشده در باب برائت
فرموده:

«والنصوص الکنیة... وقوی السکونی عنه
علیه السلام فقال فی حدیث قیل له یا
امیرالمؤمنین لاندردی سفرة مسلم او سفرة مجوسی
فقال هم فی سعة حتی یعلموا».^۸

۲۵ - حاج کریمخان کرمانی در کتاب
«فصل الخطاب» با اینکه بابی با عنوان
«الناس فی سعة» باز کرده ولی در ذیل آن
فقط روایت سکونی را نقل کرده است.^۹

۲۶ - مرحوم شیخ حر عاملی
در الفصول المهمة حدیث «الناس فی سعة»
را ذکر نکرده است. و نیز به کتابهای:

۲۷ - حاشیه آخوند خراسانی بر رسائل
شیخ انصاری.

(۱) - وسیلة الوسائل، بحث برائت.

(۲) - قوامع، بحث برائت.

(۳) - مستدرک الوسائل ۳ / ۲۱۸.

(۴) - جامع احادیث الشیعه باب حکم ما اذا لم یوجد
حجة علی الحکم بعد الفحص فی الشبهة الوجوبیة والتحریمیة.

(۵) - اصول اصیله ص ۷۵.

(۶) - ص ۱۴۷.

(۷) - ص ۲۱۷، چاپ قم.

(۸) - اشارات نسخه خطی.

(۹) - ص ۶۰.

۲۸ - حاشیه شیخ محمدحسن بارفروشی
بر رسائل (حاشیه شیخ کبیر).

۲۹ - حاشیه شیخ غلام رضا قمی بر
رسائل (قلاند).

۳۰ - حاشیه شیخ مهدی کجوری بر
رسائل.

۳۱ - حاشیه میرزای آشتیانی بر رسائل.

۳۲ - حاشیه حاج آقارضا همدانی بر
رسائل.

۳۳ - حاشیه شیخ علی شیرازی (از
شاگردان آخوند خراسانی) بر رسائل.

۳۴ - حاشیه مرحوم آقا سید عبدالله
شیرازی بر رسائل.

۳۵ - کفایة الاصول آخوند خراسانی.

۳۶ - حاشیه شیخ محمد حسین
اصفهانى بر کفایة الاصول.

۳۷ - حاشیه مرحوم آیه الله حکیم بر آن.

۳۸ - دررالاصول حاج شیخ عبدالکریم
حائری یزدی (ره).

۳۹ - مقالات الاصول آقا ضیاء الدین

عراقی و تقریرات بحث او.

۴۰ - تقریرات آقای نائینی رحمة الله

علیه.

بحث برائت مراجعه شد مطلب تازه ای

در مورد حدیث مورد بحث نداشتند و یا

نگارنده برخورد نکرده.

واما حدیث سفره مطروحه:

۴۱ - در پایان کتاب «الاطعمة» کافی

در باب النوادر، حدیث دوم آمده است:

«علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوفلى عن

السكونى عن ابى عبدالله عليه السلام ان

اميرالمؤمنين عليه السلام سئل عن سفرة وجدت

فى الطريق مطروحة كتير لحمها وخبزها وبيضها

وجبنها وفيها سكين فقال اميرالمؤمنين

عليه السلام بقوم ما فيها ثم يؤكل لانه يفسد وليس

له بقاء فان جاء طالبها غرماله الثمن قيل: يا

اميرالمؤمنين لا يدري سفرة مسلم او سفرة مجوسى

فقال: هم فى سعة حتى يعلموا.^۱

۴۲ - مرحوم سید محمد هاشم خوانساری

صاحب مبانی الاصول در حاشیه نسخه

خطی کافی خود نوشته:

«فيه اصابة الحل فى الشبهة المصداقية»^۲

۴۳ - در وسائل الشیعه همین حدیث در

کتاب اللقطة «باب حکم التقاط اللحم

والخبز والجبن والبيض» نقل شده است.^۳

۴۴ - مرحوم آقا میرزا ابوالحسن شعرانی

در حاشیه وسائل می نویسد:

(۱) - کافی ۶ / ۲۹۷.

(۲) - مرحوم خوانساری کتابی به نام اصول آل الرسول

تألیف می کرده و برای جمع آوری مواد آن در حاشیه کتابهای

حدیثی خود چنین یادداشتهاى داشته است.

(۳) - وسائل الشیعه، ۱۷ / ۳۷۲.

«الرواية ضعيفة ولو كانت صحيحة يحتاج بهالدلت على حل ما يشك في ذبحة الموجود في بلاد المسلمين وان لم يؤخذ من يد مسلم. و السفارة مزاد او جراب يجعل فيه طعام المسافر و يسد بخيطة و مثله فيجتمع فوه وينسد ثلثا يخرج ما فيه^١.

٤٥ - علامه مجلسي در مرآت العقول در ذيل اين حديث مي نويسد:

«ضعيف على المشهور ويدل على ان الاصل التذكية فيما يشرط فيه و قد دلت عليه اخبار كثيرة والمشهور بين الاصحاب خلافه^٢.

٤٦ - مرحوم فيض در وافي همين حديث را در باب من وجد سفرة فيها لحم، از كافي نقل کرده است.^٣

٤٧ - مرحوم شعراني در حاشيه وافي مي نويسد:

«كما يدل يدالمسلم على طهارة ما في يده و كونه حاللا كذلك بلدالمسلمين امارة تدل على كون اللحم والجلد المطروحين فيه مذكيين واما المطروح في بلد الكفار اوالموجود في يدهم فلا دليل على التذكية فيه و هو حرام ولكن يشترط في ما يوجد في بلادالمسلمين ان يكون عليه اثر الاستعمال و كونه معدا للاكل مثلا كما يدل عليه السفارة والسكين»^٤.

٤٨ - در محاسن برقي همين حديث از نوفلي از سكوني از امام صادق عليه السلام از پدراناش از علي عليه السلام روايت شده

پيرامون حديث الناس في سعة مالم يعلموا...

است.^٥

٤٩ - در كتابهاي جعفرريات و نوادر راوندي و دعائم الاسلام قاضي نعمان، همين حديث با مختصر تفاوتی در متن، روايت شده است. در دعائم بطور ارسال و در نوادر به اسناده عن موسى بن جعفر عن آبائه و در جعفرريات با اين سند: «اخبرنا محمد حدثني موسى حدثنا ابي عن ابيه عن جده جعفر بن محمد عن ابيه ان عليا عليه السلام^٦.

متن خبر مطابق جعفرريات: «سئل عن سفرة وجدت في الطريق مطروحة كثير لحمها و خبرها و جنبها و بيضها و فيه سكر^٧ فقال على عليه السلام: يقوم ما فيها ثم بوء كل لانه يفسد و ليس لما فيها بقاء فان جاء (فاذا جاء خ ل) طالبها غرمواله الثمن فقالوا: يا اميرالمؤمنين لا تعلم سفرة ذمي ولا سفرة مجوسي قال: هم في سعة من اكلها مالم يعلموا حتى يعلموا^٨.

(١) - وسائل الشيعه ١٧ / ٣٧٢، حاشيه.

(٢) - مرآت العقول چاپ سنگي ٤ / ٦٩.

(٣) - وافي ج ١١، ص ٢٣.

(٤) - وافي ج ١١، ص ٧٥ حاشيه.

(٥) - محاسن برقي ص ٤٥٢ - بحارالانوار ١٠١ / ٢٤٩.

(٦) - سند جعفرريات معتبر است، به مستدرک نوري

٢٩٣/٣ رجوع شود.

(٧) - در نوادر و دعائم، سكين است و همين صحيح

مي باشد.

(٨) - جعفرريات ص ٢٧، دعائم ٢ / ٤٩٥، بحار ١٠١

ص ٢٥١، به نقل از نوادر راوندي، متن نقل شده در بالا از

جعفرريات است و با متن آن دو كتاب كمی تفاوت دارد

۵۰ - در بحار الانوار حدیث محاسن برقی و نوادر راوندی نقل شده است.^۱
 و در مستدرک الوسائل حدیث جعفریات و دعائم نقل شده است.^۲
 بنابراین حدیث سفره مطروحه در کتابهای کافی، محاسن، جعفریات، نوادر راوندی و دعائم الاسلام قاضی نعمان نقل شده است و سند کافی و محاسن به عقیده برخی از بزرگان موثق است (به عبارت عده

الاصول شیخ طوسی در باره سکونی^۳ و به معجم رجال الحدیث در مورد نوفلی^۴ مراجعه شود).
 و آیا حدیث (الناس فی سعة ما لم یعلموا) از همین روایت سفره مطروحه اخذ شده یا روایتی مستقل و کلی است؟
 در پاسخ باید گفت عبارت بسیاری از کتابهایی که پیشتر یاد شد ظاهر در تعدد است والله العالم.

اللهم... واقطع عنهم المدد وانقض منهم العدد واملأ افئدتهم الرعب واقبض ایدیههم عن البسط.

پروردگارا، کمک همدستان و هم پیمانان را از آنان (دشمنان اسلام) قطع فرما و عده آنها را کمتر کن و قلبهای آنان را (از لشکر اسلام) پر از خوف و بیم نما و دستشان را از هر طرف کوتاه کن.

«صحیفه سجادیه، قسمتی از دعای ۲۷»

(۱) - بحار، ج ۱۰۱، ص ۲۴۹ و ۲۵۱.

(۲) - مستدرک ۱۵۳/۳ باب حکم التقاط اللحم والخبز

والجبن والبيض.

(۳) - عده الاصول چاپ بمبئی، ۱/۵۶.

(۴) - معجم رجال الحدیث، ۳/۱۰۵.